

بن‌یست صادرات گاز دوحه
و فرصت بزرگ معامله برای ایران

خسارت ۲۴ میلیارد دلاری به گاز قطر

صفحه ۴

شنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۵ | ۳۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ | ۲۳ اکتبر ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۷۲۴ | صفحه ۱۰ هزار تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



۱۹۲۲ سال و ۴۳ روز گذشت |

رهبر انقلاب در پیامی

به سی‌وسومین اجلاس سراسری نماز تأکید کردند

نهادینه و فراگیر شدن نماز لازمه رسیدن به جامعه اسلامی

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4724 | SAT.OCT.03, 2026 | ISSN:2008-2886

چگونه سیاست‌های جنون آمیز ترامپ و جنگ علیه ایران به بهانه مقابله با اشاعه هسته‌ای
انگیزه بازدارندگی هسته‌ای را در میان کشورها تقویت کرد

جهان اتمی تر شد



واشنگتن می‌گوید هدف حمله به ایران جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای بود اما در تهران و حتی در بخشی از محافل سیاست خارجی آمریکا پرسش دیگری شکل گرفته است: اگر کشوری فاقد سلاح هسته‌ای می‌تواند هدف حملات آمریکا و اسرائیل قرار گیرد، آیا نداشتن بمب اتم خود به عاملی برای آسیب‌پذیری تبدیل نمی‌شود؟ این همان تناقضی است که منتقدان سیاست رئیس‌جمهور تروریست آمریکا درباره ایران بر آن دست گذاشته‌اند. دولت جنایتکار آمریکا مدعی است حملاتش برنامه هسته‌ای ایران را عقب رانده اما شماری از کارشناسان آمریکایی و اروپایی هشدار می‌دهند حمله نظامی ممکن است دقیقاً انگیزه‌ای را تقویت کند که واشنگتن می‌گوید قصد از میان بردنش را دارد: تصمیم ایران برای ساختن یک بازدارنده هسته‌ای. در این نگاه، مساله فقط خسارات وارده شده به سایت‌های هسته‌ای نیست، مساله این است که مقامات ایران از این پس چگونه رابطه میان «خویشمن‌داری هسته‌ای» و «بقای کشور» را محاسبه خواهند کرد.

(الف) درسی که از حمله باقی می‌ماند

پس از حملات آمریکا و رژیم صهیونی، ترامپ بارها گفت تأسیسات هسته‌ای ایران «ناپود» شده‌اند اما حتی در میان تحلیلگران نزدیک به جریان‌های نومحافظه‌کار، این ادعا با تردید روبه‌رو شد. حمله می‌تواند ساختمان‌ها را تخریب کند، سانترفیوژها را از کار بیندازد و برنامه‌ای را سال‌ها عقب‌ببرد اما دانش فنی، نیروی انسانی و انگیزه رانلود نمی‌کند. ماهنامه آتلانتیک در گزارشی درباره جنگ نوشت حملات هوایی نمی‌تواند «کارشناسان ایران را از میان ببرد یا تصمیم آن کشور برای ساخت بمب اتم در آینده را کم‌ریگ کند». این جمله به ظاهر یک ارزیابی فنی بود اما پیام سیاسی آن روشن‌تر است: اگر جنگ نتواند تصمیم ایران را تغییر دهد، ممکن است فقط شکل آن تصمیم را عوض کند.

درواشنگتن، بخشی از استدلال رسمی این بود که ایران به دلیل نزدیک شدن به توانایی ساخت بمب اتم، تهدیدی فوری بوده اما سازمان‌های کنترل تسلیحات و کارشناسان مستقل با این برداشت مخالفت کردند. انجمن کنترل تسلیحات نوشت شواهدی از وجود یک برنامه

هسته‌ای ترامپ نوشت تهدید او به ناپودی یک «تمدن کامل» چنان گسترده بود که تحقق آن با سلاح‌های متعارف دشوار به نظر می‌رسید و «حمله هسته‌ای، معنای ضمنی آشکار این تهدید» می‌شد.

چنین ادبیاتی برای یک کشور فاقد سلاح هسته‌ای پیام نگران‌کننده‌ای دارد. ایران حتی اگر برنامه‌اش را محدود کند، در برابر دشمنی قرار دارد که از تهدید ناپودی کامل می‌گوید. در این محاسبه، بمب اتم نه ابزار حمله، بلکه بیمه‌نامه‌ای علیه ناپودی زیرساخت‌های کشور تلقی می‌شود.

ترامپ البته بعدتر درباره احتمال استفاده از سلاح هسته‌ای علیه ایران گفت: «حالا که آنها را شکست دادیم، آیا باید علاوه بر آن از سلاح هسته‌ای هم استفاده کنم؟» واشنگتن پست این سخنان را در چارچوب تلاش او برای فاصله گرفتن از ایده تشدید بیشتر جنگ تحلیل کرد اما همین که چنین گزینهای وارد زبان سیاسی رئیس‌جمهور آمریکا شد، به بخشی از محاسبه راهبردی تهران تبدیل می‌شود.

در سیاست بازدارندگی، حتی احتمال اندک استفاده از سلاح هسته‌ای می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد. دشمن لازم نیست مطمئن باشد حمله هسته‌ای رخ می‌دهد، کافی است احتمال آن را جدی بداند.

(ت) تهران باید بمب اتم بسازد؟

پاسخ دقیق، پیچیده‌تر از آن است که گاهی در شبکه‌های اجتماعی گفته می‌شود. در منابع معتبر آمریکایی و اروپایی، پس از حملات ترامپ، بسیاری از تحلیلگران گفته‌اند این حملات انگیزه ایران برای دنبال کردن بازدارندگی هسته‌ای را افزایش داد. نزدیک‌ترین موضع شناخته‌شده به چنین استدلالی از سوی پروفیسور «جان مرشایمر» استاد روابط بین‌الملل دانشگاه شیکاگو مطرح شد. او در مقاله‌ای در نیویورک تایمز استدلال کرد تصور حمله به ایران پس از دستیابی این کشور به بمب اتم دشوارتر می‌شود، زیرا «همیشه این احتمال وجود دارد که تشدید بحران به استفاده هسته‌ای منجر شود».

ادامه در صفحه ۲

دیپلماتیک با

تغییر دولت

آمریکا کنار گذاشته

شود و پس از آن تأسیسات

هسته‌ای نیز بمباران شود، نتیجه برای

تهران می‌تواند این باشد که «توانایی بالقوه» کافی

نیست؛ تنها چیزی که دشمن را محتاط می‌کند، سلاح آماده است.

در همین زمینه، انجمن کنترل تسلیحات هشدار داد حمله

تازه آمریکا یا اسرائیل می‌تواند مقامات ایران را از مذاکره دور کند و

«استدلال داخلی را تقویت کند که تنها داشتن سلاح هسته‌ای می‌تواند

از کشور در برابر حمله خارجی محافظت کند».

این گزاره، به معنای تصمیم ایران برای ساخت بمب اتم نیست،

تصمیم نهایی همچنان به محاسبات سیاسی حکومت بستگی دارد

اساساً منطق بازدارندگی در سیاست بین‌الملل معمولاً از نیت آغاز

نمی‌شود، از برداشت تهدید آغاز می‌شود. رهبران کشورها نه فقط بر

اساس آنچه دشمن می‌گوید، بلکه بر اساس آنچه دشمن انجام داده

است تصمیم می‌گیرند.

(ب) تناقض «جلوگیری از بمب اتم با بمباران»

ترامپ حمله را با این استدلال توجیه کرد که ایران نباید به سلاح

هسته‌ای دست یابد اما منتقدان می‌گویند این سیاست، به جای از

بین بردن انگیزه هسته‌ای، ممکن است آن را به مساله‌ای حیاتی

برای ایران تبدیل کند.

سازمان بولتن دانشمندان اتمی در تحلیلی درباره تهدیدهای

ساختار یافته

برای تولید سلاح

هسته‌ای دیده نمی‌شد

و آژانس بین‌المللی انرژی

اتمی نیز از چنین برنامه‌ای خبر

نداده بود.

در کنار این، مؤسسه FactCheck.org به نقل از «ربرل

کیمبال» مدیر انجمن کنترل تسلیحات نوشت «هیچ تهدید هسته‌ای

فوری وجود نداشت» و برنامه ایران در موقعیتی نبود که حمله نظامی

را توجیه کند.

این اختلاف فقط درباره ارزیابی اطلاعاتی نیست. اگر تهران معتقد

باشد حتی بدون ساخت بمب اتم هدف حمله قرار گرفته، درون ساختار

سیاسی ایران استدلال کسانی تقویت می‌شود که سال‌ها می‌گفتند

محدود کردن برنامه هسته‌ای، امنیت کشور را تضمین نمی‌کند.

(ب) انگیزه بیشتر

«رزماری کلنیک» مدیر برنامه خاورمیانه در اندیشکده آمریکایی

Defense Priorities، در گفت‌وگو با کارنگی گفت حمله به

ایران نتیجه‌ای معکوس داشته است. به گفته او، آمریکا با این اقدام

«انگیزه‌های بیشتری به ایران داده تا از ما بترسد، سلاح هسته‌ای را

به خاطر ارزش بازدارندگی‌اش دنبال کند و اعتماد کمتری به ایالات

متحده داشته باشد».

این شاید صریح‌ترین صورت‌بندی از منطق جدید تهران باشد.

کشوری که از برنامه هسته‌ای خود عقب‌نشینی می‌کند، به تضمین نیاز

دارد که در آینده به خاطر امتیازهایش مجازات نخواهد شد اما اگر توافق

تیتراهای امروز



گزارش «وطن امروز» از عجز و لایه‌های ترامپ
در اوکلاهاما و تگزاس به خاطر نگرانی از
شکست در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره

به التماس افتاد

صفحه ۳

بیش از ۲۰۰ سازمان در ۶۰ کشور خواستار پاسخگو
کردن رژیم صهیونی در برابر قوانین بین‌المللی شدند

جهان علیه نتانیاہو

صفحه ۳

مقاومت یمن در آستانه کنترل بر مسیرهای ارتباطی
جنوب یمن هم‌زمان با تشدید عملیات در تعز

انصارالله

در دروازه عدن

صفحه ۳

سرکوب تروریست‌ها در جنوب شرق کشور
تعدادی از تروریست‌ها به هلاکت رسیدند

حمله

به پلن B آمریکا

صفحه ۲

جنگ ایران فرض چند دهه‌ای واشنگتن درباره
امکان عملیات از پایگاه‌های امن نزدیک
خط مقدم را زیر سؤال برد

پایان عصر

پایگاه‌های امن

نگاه



مهدی حسینی

روزنامه واشنگتن پست، در متن تحلیلی‌ای به قلم «مکس بوت» کارشناس معروف آمریکایی و نظامی بازنشسته ارتش تروریست آن کشور، ایده‌های پرورانده که بر اساس آن، ایران عملاً در جنگ با آمریکا، تمام مفروضات نظامی ارتش آن کشور پس از جنگ دوم جهانی را از بین برده و ویران کرده و ارتش تروریست آمریکا باید به فکر یک دکترین جدید باشد.

بوت اول از همه تلاش می‌کند نشان دهد ایده انبوه پایگاه‌های نظامی آمریکا با چه منطقی گسترش یافت و چه قدرتی از آن پشتیبانی می‌کرد و ایران چطور تمام آن منطق را به چالش کشید: «از زمان جنگ دوم جهانی، ایالات متحده شبکه‌ای گسترده متشکل از ۷۵۰ پایگاه در ۸۰ کشور و قلمرو ایجاد کرده است.

هنگامی که نشانه‌های جنگ پدیدار می‌شود، همان‌طور که در عراق در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ رخ داد، آمریکا پیش از آغاز عملیات تهاجمی، حجم عظیمی از تجهیزات و تدارکات را که به «کوه‌های آنتین» شهرت دارد، در پایگاه‌های نزدیک انباشته می‌کند. همواره فرض بر این بوده که برتری هوایی آمریکا امنیت این پایگاه‌ها را تضمین خواهد کرد.

حتی در جریان جنگ‌های عراق و افغانستان نیز پایگاه‌های آمریکا با وجود قرار داشتن در مناطقی آکنده از فعالیت شورشیان، از امنیت نسبی برخوردار بودند».

تمام این مفروضات اما در جنگ علیه ایران عملاً ویران شد: «جنگ جاری علیه ایران نشان داد این فرض دیگر اعتبار ندارد، موضوعی که یکی از بنیان‌های «درباره راهبرد نظامی آمریکا را زیر سؤال می‌برد. ایران با استفاده از پهپادها و موشک‌ها، خسارات سنگینی به پایگاه‌های آمریکا در سراسر منطقه خلیج فارس وارد کرد.

همان‌گونه که در گزارش اخیر بازرس کل وزارت جنگ آمریکا آمده است، حملات ایران در طول این درگیری به صدها ساختمان و تأسیسات پایگاه‌های آمریکا در کویت، بحرین، قطر، امارات، سعودی، عراق، عمان و اردن آسیب زده یا آنها را به طور کامل ویران کرده است. افزون بر این، ده‌ها هواپیمای آمریکایی نیز نابود شده یا خسارت دیده‌اند».

ادامه در صفحه ۳